



«امروزه مهم‌ترین بخش اصلاح در این کشور عبارت است از مبارزه با فقر و فساد و تبعیض»
مقام معظم رهبری ^(۱)

فساد مالی؛ چرایی و چرایی...

حسن دادگر
کارشناس ارشد و محقق اقتصادی

مقدمه:

فساد مالی (۱) همزاد با تشکیل حکومت در جامعه مطرح بوده است؛ یعنی از زمان پیدایش حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوء استفاده از اختیارات و فساد مالی نیز شکل گرفته و همواره تهدیدی جدی برای جامعه و عموم مردم بوده است. فساد مالی پدیده‌ای پیچیده، چند بُعدی و دارای علل و آثار چند گانه است که در حالت‌های گوناگون، نقش و نمودهای متفاوتی پیدا می‌کند. فساد مالی گاهی معضل ساختاری سیاست و اقتصاد، و گاهی مسأله فرهنگی و اخلاقی فردی تلقی می‌شود و می‌تواند مشروعیت یک نظام را به خطر بیندازد. هدف ما بعد از بیان تعریفی کامل از فساد مالی، آن است که از منظر اقتصادی علل شکل‌گیری مفاسد مالی در جامعه را بررسی و سپس راه‌حل‌های مقضی در این زمینه را ارائه کنیم. (۲)

تعریف فساد مالی:

قبل از ارائه تعریفی دقیق و همه‌جانبه از فساد مالی، بهتر است اذعان کنیم که برخی از صاحب‌نظران به زعم خود تعاریفی از آن ارائه می‌کنند. فساد، هر پدیده‌ای است که یک مجموعه را از اهداف و کارکردهای خود باز دارد. می‌توان تعریف فساد مالی را چنین بیان کرد

که: «به هر نوع تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و سوءاستفاده از موقعیت و استفاده غیر قانونی از اختیارات و قدرت در جهت استفاده از امکانات مالی، فساد مالی اطلاق می‌شود» که البته دارای مصادیق بسیاری از جمله: اختلاس، رشوه، اخاذی، رانت‌هایی که ماهیتی غیراقتصادی دارند، برداشت و دخل و تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره‌برداری‌های مالی و اشکال گوناگون دیگر می‌باشد؛ به عبارت دیگر، فساد مالی، سوءاستفاده از مقام و موقعیت دولتی (عمومی) برای کسب منافع شخصی است.

بعد از بیان تعریف فساد مالی، بینیم چرا باید با این معضل سرطانی مبارزه کنیم؟

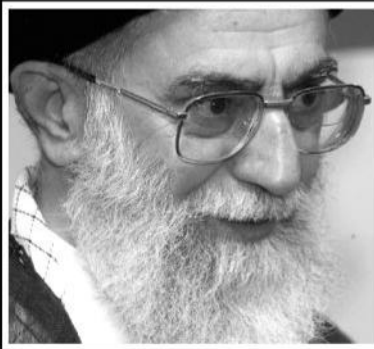
فساد، جوامع گوناگون از جمله جامعه ما را آزار می‌دهد و شیوع مفاسد مالی در این به دلیل اسلامی بودن و داشتن حاکمیت دینی، زشت می‌باشد؛ از این رو باید با این پدیده مقابله جدی و از گسترش آن جلوگیری شود؛ چرا که در غیر این صورت، آزادی، توسعه سیاسی، قانون‌گرایی و مشروعیت حاکمیت از بین می‌رود، دموکراسی معنای خود را از دست می‌دهد و انحصارات شکل می‌گیرند. افول مشارکت مردم نیز از تبعات عدم مقابله با پدیده فساد مالی است و در نتیجه وحدت ملی ضربه می‌خورد. بنابراین، قوام و رشد و بالندگی جامعه در گرو مبارزه با مفاسد مالی، و افزایش

روحیه ضد فساد است. مصلحت نظام و جامعه ایرانی و اسلامی ما ایجاب می‌کند که برای جلوگیری از گسترش فساد و یا دست‌کم به منظور کاهش میزان آن، مدیران و مسؤولان مربوط بدون کوچک‌ترین اغماض و براساس مسؤلیت اجتماعی و وجدانی خویش در قبال جامعه، عمل نمایند.

فساد مالی در جهان و ایران

حکومت‌ها و دولت‌ها از قرن‌ها پیش با مشکل فساد مالی رو به رو بوده‌اند؛ هزینه‌های تحمیلی مظاهر فساد بر جامعه و دولت باعث شده است که همگان بر مقابله با این پدیده تأکید ورزند. فساد مالی پدیده‌ای عالم‌گیر بوده، به هیچ وجه به گروه خاصی از کشورها محدود نمی‌باشد و لذا تحقیقات بسیاری در مورد رتبه‌بندی کشورهای جهان در زمینه شیوع مفاسد مالی صورت گرفته است. (۳) کشورهای نیز کم و بیش در مقاطع مختلف زمانی، با این مشکل دست به گریبان و از عوارض آن متضرر بوده و می‌باشد. (۴)

شدت شیوع مفاسد مالی در کشورهای جهان متفاوت است؛ بانک جهانی میزان فساد مالی و ارتشاء را در جهان چنین عنوان می‌کند که شیوع آن در کشورهای مستقل مشترک المنافع، کشورهای حاشیه صحرائی آفریقا، کشورهای مرکز و شرق اروپا، آمریکای لاتین و



مقام معظم رهبری: تسامح در امر مبارزه، به نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است

مائی، انگوی توزیع درآمد در جامعه را مختل خواهد کرد؛ نابرابری‌ها و اختلاف طبقاتی تشدید خواهد شد و تحقق کامل عدالت اقتصادی به تعویق خواهد افتاد. اگر قوانین مالیاتی مبهم باشند و بتوان از آنها تعبیرهای مختلفی کرد، تخلفات مسوولان مالیاتی با تسامح چشم پوشی شوند، روش‌های اجرایی و اداری شفافیت لازم را نداشته باشند و اختیارات مسوولان و مدیران در این بخش گسترده و زیاد باشد، فساد مالی گسترده‌تر خواهد شد و بر توزیع درآمدها آثار منفی خواهد داشت و از طرفی هزینه‌های وصول مالیات افزایش و توان دولت در اجرای صحیح وظایف خود، کاهش می‌یابد. (۱۰) تبعیض و فقر گسترده، از عوارض توزیع نابرابر درآمدها و امکانات خواهد بود؛ وقتی دولت نتواند رفاه اقتصادی، امنیت اقتصادی و عدالت اجتماعی را محقق سازد، به سمت طبقه مرفه و متمکن گرایش پیدا کرده، از فقر و عوارض آن غافل می‌ماند. قشرهای ضعیف و کم‌درآمد از مزایای رفاه اجتماعی بهره‌ای نمی‌برند و در توزیع درآمدها و امکانات جایگاهی ندارند؛ سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی نیز به نفع این گروه نخواهد بود. فقر و قشر کم‌درآمد که چنین وضعی را حاکم می‌بینند، خود، به فعالیت‌های فاسد اقدام می‌کنند و یکی از مرتکبان اعمال فاسد می‌شوند؛ و به عبارت دیگر دور یاطلی بین گسترش فساد مالی و فقر به وجود می‌آید.

فساد مالی نه تنها بر کارایی اقتصادی و تخصیص منابع و توزیع درآمدها اثر منفی دارد؛ بلکه در مجموع می‌توان گفت بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی هم اثرات زیان‌باری دارد. عمال فاسد برای به دست آوردن مجوزهای سرمایه‌گذاری، انگیزه سرمایه‌گذاری، و سودآوری تولید را کاهش خواهد داد. همچنین هرگاه منابع عمومی، که برای ساختن زیرساخت‌های اقتصادی و زیربنای تقویت‌کننده تولید در نظر گرفته شده، به مصارف خصوصی مدیران، سیاستمداران و مسوولان برسد، نرخ رشد تأثیری منفی خواهد پذیرفت که باعث کاهش کارآفرینی و گسترش فعالیت‌های رانت‌جویانه می‌شود؛ این امر به نوبه خود باز هم بر رشد اقتصادی اثر منفی خواهد گذاشت. مطالعات فراوانی در مورد اثر منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی صورت گرفته و این نتیجه حاصل شده است که یک کشور فاسد در مقایسه با کشوری که در آن نسبتاً فساد وجود ندارد، احتمالاً به سطحی در حدود ۵ درصد کم‌تر سرمایه‌گذاری کل نائل می‌شود و در هر سال حدود نیم درصد از رشد تولید ناخالص داخلی را از دست می‌دهد. همچنین، اگر شاخص فساد مالی کشوری از ۶ به ۸ برسد، چهار درصد به نرخ رشد سرمایه‌گذاری افزوده می‌شود و نرخ رشد

سمت فعالیت‌های غیرمولد افزایش می‌یابد. در چنین اوضاعی کارکنان به راحتی می‌توانند هر کاری را انجام دهد، به نفع خود و یا نزدیکان، سوداستفاده‌هایی بنمایند؛ در واقع می‌توان گفت که در اینجا شاهد خصوصی‌سازی دولت هستیم که در جریان آن، قدرت دولت به بازار منتقل نمی‌شود؛ بلکه به

کارکنان خود می‌رسد و این امر در نهایت به عملکرد بازار لطمه می‌زند. (۷) این کارها به گونه‌ای صورت می‌گیرد که تحت بازرسی و کنترل نباشد؛ از طرفی فعالیت‌های بیچیده، پرهزینه و عظیم صورت می‌گیرد تا بتوان در این مسیر نظر مسوولان بلندپایه و سیاستمداران فاسد را جلب و از پاسخگویی فرار کرد. یکی دیگر از علت‌ها، پایین بودن سطح دستمزد و حقوق در بخش عمومی (دولتی) است که باعث می‌شود افراد برای تأمین معاش خود راه‌های غیر قانونی را طی کنند. فقر نیز یکی از مهم‌ترین علل شکل‌گیری فساد مالی است؛ که سواى علت بودن، معلول نیز می‌تواند باشد. همچنین، تورم روز افزون، بیکاری و روند نزولی قدرت خرید مردم، آنها را به کسب درآمدهای سهل‌الوصول و فعالیت‌های فساد آلود ترغیب می‌کند. این موارد همگی با تحقیقات و تجربه‌های علمی ثابت شده‌اند؛ به طوری که، برای مثال، در کشور مائیت‌گرای بودجه دولتی، تورم جنگ از جمله متغیرهایی هستند که در افزایش فساد مالی مؤثرند. (۸)

گسترش فساد مالی در جامعه، پیامدهای اقتصادی بسیاری دارد، که در آثار منفی آن بر تخصیص درست منابع، توزیع مناسب درآمدها، کارایی اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی، قابل تصور و بررسی است. امروزه کم‌تر اقتصاددانی است که نگران پیامدهای فساد مالی نباشد؛ زیرا استعدادها در جامعه‌ای که فساد مالی در آن رواج دارد، به جای نوآوری، خلاقیت و فعالیت‌های مولد، به سوی کسب درآمدهای سهل‌الوصول و انجام اقدامات فساد آلود تمایل می‌یابد، اولویت‌های اساسی در طرح‌های ملی فراموش می‌شوند و فعالیت‌هایی اولویت می‌یابند که با منافع نامشروع متصدیان فاسد، سازگار باشند؛ (۹) از طرفی با گسترش فساد، شاهد رشد و گسترش فعالیت‌های زیرزمینی و قاچاق خواهیم بود و لذا توان دولت برای وضع مقررات کنترلی و نظارت‌های مورد نیاز جهت اصلاح تقاضی بازار و فعالیت‌های اقتصادی، کاهش می‌یابد. در این صورت هزینه‌های جست‌وجو و یافتن فرد یا افراد فاسد، افزایش یافته، توجه دولت را از تخصیص بهینه و درست منابع منحرف می‌کند و ضرر اولیه و مسلم آن متوجه جامعه و دولت خواهد بود.

یکی دیگر از پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی، آثار مخربی است که بر توزیع درآمدها دارد و از طریق کاهش درآمدهای دولت حاصل می‌شود؛ این کاهش درآمدها، توانایی دولت را در اجرای طرح‌های عمرانی و اساسی، و نیز پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای محدود می‌کند. فرار مؤذیان مالیاتی از پرداخت مالیات و مخدوش شدن نظام مالیاتی در نتیجه گسترش فساد

کارایی، خاورمیانه و شمال آفریقا، کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا و بالاخره کشورهای OECD با درآمد بالا، به ترتیب کم‌تر می‌باشد؛ (۵) به عبارتی، کشورهای ضعیف، جهان سومی و بسته و متمرکز درجه بالاتری از میزان فساد دارند و کشورهای توسعه یافته و دارای درآمد مالی، به نسبت، میزان فساد کم‌تری دارند. همچنین هر چه قوای قضائیه و مقننه در کشوری ضعیف‌تر عمل کنند و نهادهای مدنی کم‌تر شکل گرفته باشند، مراتب و درجات فساد گسترده‌تر خواهد بود. متأسفانه به جای اینکه تلاش همگانی برای مبارزه با این معضل در سطح جهان صورت گیرد، تلاش کنونی جامعه جهانی در مبارزه با مظاهر فساد نامتوازن است که به حتم به ضرر کشورها خواهد بود و بی‌اعتنایی به فساد در یک کشور، در درازمدت به نفع دیگر کشورها نخواهد بود.

علل شکل‌گیری و پیامدهای اقتصادی فساد مالی

مسائل، مشکلات و عوامل اقتصادی ممکن است باعث بروز و شیوع پدیده فساد مالی شود؛ این علل از مشکلات کلان اقتصادی تا مسائل کم‌اهمیت‌تر را شامل می‌شود. به نظری رسد مهم‌ترین علت اقتصادی، دولتی بودن بخش عظیمی از اقتصاد کشورها، بخصوص در کشورهای جهان سوم باشد؛ در این صورت مردم نیز سعی می‌کنند به منابع حکومتی نزدیک شده، تلاش فراوانی را برای استفاده از موقعیت‌ها و امتیازات دولتی مبذول دارند. در جامعه و کشوری که انحصارات دولتی بر بخش عظیمی از اقتصاد کشور سایه افکنده است، اصول حاکم بر بازار و قوانین و مقررات و نهادهای نظارتی، همگی با اراده‌های جانبی ایجاد شده و هدایت می‌شوند. در ادبیات اقتصادی، به چنین دولتی، دولت "رانتیتر" و به چنین اقتصادی "رانتی" گویند. (۶) در چنین اقتصادی، عارضه فساد مالی مهم‌ترین کارکرد را در جهت دادن به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارد؛ گرایش به سمت فعالیت‌های مولد، کاهش و تمایل به



فساد مالی نه تنها بر کارایی اقتصادی و تخصیص منابع و توزیع درآمد اثر منفی دارد؛ بلکه در مجموع می‌توان گفت بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی هم اثر زیانباری دارد.

سالیانه تولید ناخالص داخلی آن کشور ۵ درصد افزایش می‌یابد. (۱۱) بنابراین، شیوع مفاسد مالی باعث کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، کاهش کیفیت خدمات و زیربنای عمومی، فرار گسترده مالیاتی، گرایش استعدادهای درخشان و کارآفرین به کارهای غیرتولیدی و فعالیت‌های زود بازده، دشواری ارزیابی تولیدات و یا واردات، تغییر ترکیب مخارج عمومی و... می‌شود و در مجموع رشد و توسعه اقتصادی جامعه به تعویق خواهد افتاد.

راه‌های خلاصی جامعه

بر اساس آنچه در مورد علل شکل‌گیری مفاسد مالی و پیامدهای اقتصادی شیوع این عارضه در جامعه بیان شده، می‌توان راه‌های اقتصادی خلاصی جامعه از این معضل را ذکر کرد. اگر بخواهیم این راه‌ها را در چند بند کلی و سرفصل‌های اصلی بیان کنیم، به کاهش تصدیهای

به هر نوع تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و سوء استفاده از موقعیت و استفاده غیر قانونی از اختیارات و قدرت در جهت استفاده از امکانات مالی، فساد مالی اطلاق می‌شود.

مقام معظم رهبری: ضربه عدالت باید قاطع و در عین حال دقیق و ظریف باشد.

دولت، اصلاحات اقتصادی و انضباط مالی بسنده می‌کنیم. در جهت مقابله جدی با مظاهر فساد مالی، وجود عزم ملی برای تمرکززدایی دولت، حذف ساختار رانتهی، و شفاف‌سازی فعالیت‌های دولت از جمله اولویت‌های اساسی می‌باشند. بهترین سیاست برای کاهش فساد، تقلیل فرصت‌های ارتکاب فساد از طریق کم کردن نقش دولت در اقتصاد است؛ تقاضا و عرضه برای کارها و فعالیت‌های فسادآمیز از راه کاهش شدید نقش دولت در تمامی زمینه‌ها میسر است. باید بپذیریم که مردم در اقتصاد، محور باشند و دولت کوچک با حفظ اقتدار، فقط نظارت‌کننده باشد و میزان تصدیهای خود را در امور کم کند. تازمانی که دولت به سمت شفاف‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، پاسخ‌گویی، قانون‌گرایی و اتخاذ رویکردهای مشارکت‌جویانه حرکت نکند، هیچ اقدامی برای کم کردن تصدیهای دولت نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. نیازی به گفتن نیست که کاهش اختیارات دولتی به معنای حذف برنامه‌های تنظیم مخارج و مقرراتی نیست که دلایل توجیهی مناسبی برای آنها وجود ندارد؛ چنین برنامه‌هایی را به جای حذف باید اصلاح کنیم. بنابراین، زیربنایی‌ترین راه مبارزه با فساد مالی، خصوصی‌سازی سالم است.

همچنین، پیشبرد اصلاح اقتصادی راهی برای مقابله با فساد مالی است. فعالیت‌های اصلی که به اصلاح نیاز دارد، فعالیت‌هایی است که متضمن اختیارات، صدور مجوزها، محرومیت‌های مقداری (سه‌می‌ها)، تثبیت نرخ ارز، کنترل قیمت‌ها، اعطای قراردادهای دولتی، اعطای یارانه‌ها و اعتبارات ارزان و نیز معافیت‌های مالیاتی و... می‌باشد. اصلاحات متداول اقتصادی از طریق تثبیت اقتصادی کلان می‌تواند نتایج مهمی را به بار آورد؛ زیرا اختیار اعطای یارانه و اعتبارات ارزان و ساده را از بین می‌برد، از طریق خصوصی‌سازی، شرکت‌های متعلق به دولت را غیرسیاسی می‌کند و محیطی را ایجاد می‌نماید که در آن از رقابت و آزادسازی وسیع بازار حمایت می‌شود؛ با این حال اصلاح سیاست‌های اقتصادی کلان به تنهایی کافی نیست. آزادسازی بیش‌تر، مقررات‌زدایی اقتصادی، خرد، اصلاح ساختار مالیاتی، اصلاح بودجه دولتی، شفاف‌سازی عملکردهای بانکی و پولی؛ و در بندهد، اصلاحات سازمانی در قالب حذف وزارتخانه‌ها و سازمان‌های زائد، و اصلاح خدمات اداری و نظام حقوقی. قضایی باید مورد تأکید و توجه بیش‌تر قرار گیرد. اصلاح نظام پرداخت خدمات کشوری که دارای انگیزه‌های دستمزدی کافی و مجازات‌های قابل اجرا در مورد تخلفات باشد نیز به همان اندازه مهم و حیاتی است. در واقع همه اقدامات صلاحی اقتصادی، مقررات‌زدایی و اصلاح دولت در ساختار کلان اقتصادی، نقش بسزایی در کاهش فساد مالی دارد و می‌تواند جامعه را از این معضل سرطانی برهاند.

انضباط مالی نیز راهی برای خلاصی است؛ یعنی استفاده بهینه از بودجه، نیروی انسانی و امکانات هر دستگاه، مؤسسه، نهاد و شرکت دولتی که به خصوص از منابع عمومی بهره‌مند می‌گردد. فقدان انضباط مالی باعث اتلاف منابع و کاهش کارایی می‌شود و در نتیجه توانایی دولت برای هدایت برنامه‌های مختلف کاهش می‌یابد و در اعتماد مردم به مسئولان و دولت خدشه وارد می‌شود. معیار مناسب برای حصول انضباط مالی آن است که اولاً؛ کلیه برنامه‌ها و فعالیت‌های دولتی به طور مستمر مورد بررسی و تحلیل هزینه-فایده قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که هر ریال از هزینه، در جایی خرج می‌شود که بیش‌ترین نفع اجتماعی را ایجاد نماید؛ ثانیاً؛ شیوه انجام امور در دستگاه‌های بخش عمومی به گونه‌ای باشد که از هرگونه اسراف جلوگیری شود و خدمات دولتی با حداقل هزینه ممکن ارائه گردد. خلاصه اینکه لازم است در زمینه کاهش و از بین بردن گستردگی مفاسد مالی، بعد از توجه به ایجاد کلان که ذکر شد، به راه‌حل‌های خرد نیز توجه شود؛ از جمله: احیای معنویات و اخلاقیات؛ افزایش آگاهی عمومی از خطرات فساد مالی؛ اشاعه فرهنگ مبارزه با فساد؛ متعهد شدن مدیران به مبارزه با مفاسد مالی؛ ایجاد نهادی مستقل و دائمی برای مبارزه با مفاسد مالی؛ لزوم نظارت بر ثروت، نوع مصرف و سطح زندگی مدیران رده بالا؛ شفاف‌سازی اطلاعات؛ مقررات‌زدایی و سیاست‌زدایی نظام اداری؛ اجاره حق نظارت‌ندهای مدنی جامعه اعم از احزاب، جمعیت‌ها و گروه‌ها؛ تضمین آزادی مطبوعات؛ تشویق کارمندان و شهروندان به ارسال اطلاعات و افشاکاری در مورد اعمال فاسد؛ افزایش حقوق و مزایای کارکنان و...
نکته پایانی اینکه؛ مبارزه با فساد، مسؤلیت اجتماعی و نیازمند کار گروهی است و تنها در صورتی موفق

خواهد بود که به شکلی جامع، قاعده‌مند و سازمان یافته به اجرا درآید و مشارکت همه نهادها و انواع سیاست‌های تحقیق، پیگیری، مطالعه و پیشگیری را به همراه داشته باشد؛ برای ریشه‌کنی آن به برنامه‌های همه‌جانبه نیازمندیم. جمله پایانی را فرارهایی از فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری به قوای سه‌گانه در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ انتخاب کرده‌ایم: «جمهوری اسلامی که جز خدمت به مردم... هدف و فلسفه‌ای ندارد، نباید در این راه دچار غفلت شود؛ رفتار قاطع و متصفانه علوی را باید مدنظر داشت... خشکاندن ریشه فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در اینجا مستلزم اقدام همه‌جانبه به وسیله قوای سه‌گانه است... تسامح در امر مبارزه، به نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است... ضربه عدالت باید قاطع و در عین حال دقیق و ظریف باشد... در امر مبارزه با فساد، نباید هیچ تبعیضی دیده شود... با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد... با این امر مهم و حیاتی نباید به گونه شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود؛ به جای تبلیغات باید آثار و برکات عمل مشهود گردد... کار مبارزه با فساد را به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید...»

پی‌نوشت‌ها

۱. Corruption.
۲. از منظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز با رویکردی اسلامی و علمی نیز می‌توان موضوع را دنبال کرد که در مجالی دیگر به آن پرداخته خواهد شد؛ انشاء...
۳. ر. ک: پرتاب باران، «فساد اداری و توسعه»، ترجمه جواد روحانی رصاف، برنامه و بودجه، شماره ۴۲، مهر ۱۳۷۸، صص ۱۲۵، ۱۱۵؛ همچنین، مأخذ زیر:
Paolo Mauro, "Corruption and Growth", Quarterly Journal Economic, Aug. ۱۹۹۵ (۱۱۰۹۳), pp ۶۸۱-۷۱۲.
۴. ر. ک: حسن دادگر، «فساد مالی در تاریخ معاصر ایران»، ماهنامه زمانه، سال دوم، شماره ۹، خرداد ۱۳۸۲.
۵. بانک جهانی، «نقش دولت در جهان در حال تحول»، ترجمه حمیدرضا بردارن شرکاء و دیگران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۸، صص ۹.
۶. «اقتصادرانی»، روزنامه ایران، مورخ ۹ آبان ۱۳۷۸، صص ۵.
۷. دیتو تارتی، «مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد»، ترجمه بهمن آقایی، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۵، ۱۴۹، بهمن و اسفند ۱۳۷۸، صص ۱۸۴.
۸. ر. ک: دفتر بررسی‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، «ابازشناسی مؤلفه‌های مؤثر بر اختلاس در ایران»، مجلس و پژوهش، شماره ۲۵۵، خرداد و شهریور ۱۳۷۷، صص ۱۲۹، ۱۲۶.
۹. برای بررسی‌های بیش‌تر، ماخذ زیر را ببینید:
"International Cooperation Against Corruption", Finance Development, March ۱۹۹۸, pp: ۳-۱۴.
۱۰. در زمینه رابطه بین گسترش فساد مالی و توزیع نابرابری درآمدها، ماخذ زیر توضیح کاملی ارائه می‌دهد:
C. E. Bai and S. D. Wei, "Quality of Bureaucracy and Open - Economy Macro Policies", Working Paper, No. ۷۷۶۶, Washington D. C., June ۲۰۰۰.
۱۱. ر. ک: «دانیل کوفهان، «فساد: واقعیت‌ها» ترجمه اکبر شکوهی، جمله تحولی اداری، دوره پنجم، شماره ۱۹، آذر ۱۳۷۷، صص ۲۰، ۵؛ همچنین، ر. ک: «پائولو مایورو، «فساد: سبب‌ها و پیامدهای آن»، ترجمه عزیز کیانوند، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۳۴، ۱۳۳، مهر و آبان ۱۳۷۷، صص ۱۴۷، ۱۴۵.